درس هفده پایهٔ هفتم

ما می‌توانیم

تهیه‌کننده: تواناعلمی



@haftom_tavanaelmi

پیام درس:

۱- هیچ‌گاه برای آموختن دیر نیست.

۲- از تجربهٔ دیگران استفاده کنیم.

۳- آموزش عملی بهترین نوع آموزش است.

۴- اگر انسان تلاش کند، هر کاری را می‌تواند انجام دهد.

درس هفدهم

ما می توانیم

۱۵۴

تسهیلات: امکانات

اوراق: جمع ورقه

«دونا» معلّم مدرسهٔ کوچکی بود و دو سال تا بازنشستگی فرصت داشت. من هم به عنوان بازرس در کلاس‌ها شرکت می‌کردم و سعی داشتم در امر آموزش تسهیلاتی را فراهم آورم.

آن روز به کلاس «دونا» رفتم و روی نیمکت ته کلاس نشستم. شاگردان، سخت مشغول پرکردن اوراقی بودند. به شاگرد کنار دستم نگاه کردم و دیدم ورقه‌اش را با جملاتی که همه با «نمی‌توانم» شروع شده‌اند، پر کرده است:

او نصف ورقه را پر کرده بود و هنوز هم با اراده و سماجت عجیبی به این کار ادامه می‌داد.

از جا بلند شدم و روی کاغذهای همه شاگردان نگاهی انداختم. همهٔ کاغذها پر از «نمی‌توانم»ها بود.

۱۵۴- سماجت: پافشاری، اصرار کردن

@haftom_tavanaelmi
09339444560

از جا بلند شدم و روی کاغذهای همه شاگردان نگاهی انداختم. همهٔ کاغذها پر از «نمی‌توانم»ها بود.

به شدّت کنجکاو شده بودم. تصمیم گرفتم نگاهی به ورقهٔ معلّم بیندازم. دیدم که او هم به شدّت مشغول نوشتن «نمی‌توانم» است.

ـ من نمی‌توانم مادرِ «جان» را وادار کنم به جلسهٔ معلّم‌ها بیاید.

۱۵۴- نمی‌توانم: متمم

بیندازم: مضارع (حرف میانجی)

نمی‌توانم: مضاف الیه

من: نهاد

نمی‌توانم: فعل مضارع

من پشت سر آنها راه افتادم. وسط راه، «دونا» رفت و با یک بیل برگشت. بعد راه افتاد و بچّه‌ها هم پشت سرش راه افتادند. بالأخره به انتهای زمین بازی که رسیدند، ایستادند. بعد زمین را کندند.

آنها می‌خواستند «نمی‌توانم»های خود را دفن کنند! کندن زمین ده دقیقه‌ای طول کشید؛ چون همهٔ بچّه‌های کلاس دوست داشتند در این کار شرکت کنند. وقتی که مقداری زمین را کندند،

۱۵۶- صحیح، بالاخره

رسیدند: ماضی

نمی‌توانم: مفعول

@haftom_tavanaelmi
09339444560

«نمی‌توانم» را در جایگاه ابدی‌اش به خاک سپرده‌ایم. البتّه یاد او در وجود خواهر و برادرهایش یعنی «می‌توانم»، «خواهم توانست» و «همین حالا شروع خواهم کرد» باقی خواهد ماند.

خداوند «نمی‌توانم» را قرین رحمت خود کند و به همهٔ آنهایی که حضور دارند، قدرت عنایت فرماید که بی حضور او به سوی آیندهٔ بهتر حرکت کنند. آمین!

هنگامی که به این سخنرانی گوش می‌کردم، فهمیدم که این شاگردان هرگز چنین روزی را فراموش نخواهند کرد. این حرکت شکوهمند نمادین، چیزی بود که برای همهٔ عمر به یاد آنها می‌ماند و

ابد: جاودان، همیشگی، زمانی که آن را نهایت نباشد.
سپرده ایم: ماضی
خواهد ماند: آینده
قرین: همراه
عنایت: بخشایش، لطف، توجه
حرکت کنند: مضارع
فراموش نخواهند کرد: آینده
حرکت شکوهمند نمادین: ۲ ترکیب وصفی

هنوز کار معلّم تمام نشده بود. در پایان مراسم، معلّم شاگردانش را به کلاس برگرداند. آنها با شیرینی و آب میوه، مجلس ترحیم «نمی‌توانم» را برگزار کردند. «دونا» روی اعلامیهٔ ترحیم نوشت: «نمی‌توانم. تاریخ فوت ...» و کاغذ را بالای تختهٔ سیاه آویزان کرد تا در تمام طول سال

برگرداند: فعل ماضی

ترحیم: درود فرستادن، طلب آمرزش برای مرده

@haftom_tavanaelmi
09339444560

به یاد می‌آورد که «نمی‌توانم» مرده است و او را به خاک سپرده‌اند.

با این که سال‌ها قبل من معلّم «دونا» بودم و او شاگرد من بود، ولی آن روز مهم‌ترین درس زندگی‌ام را از او گرفتم.

حالا سال‌ها از آن روز گذشته است و من هر وقت می‌خواهم به خود بگویم که «نمی‌توانم»، به یاد اعلامیّهٔ فوت «نمی‌توانم» و مراسم تدفین او می‌افتم.

«ما می‌توانیم»، نوشتهٔ کلیک مورمان، از مجموعه داستان «نغمهٔ عشق»

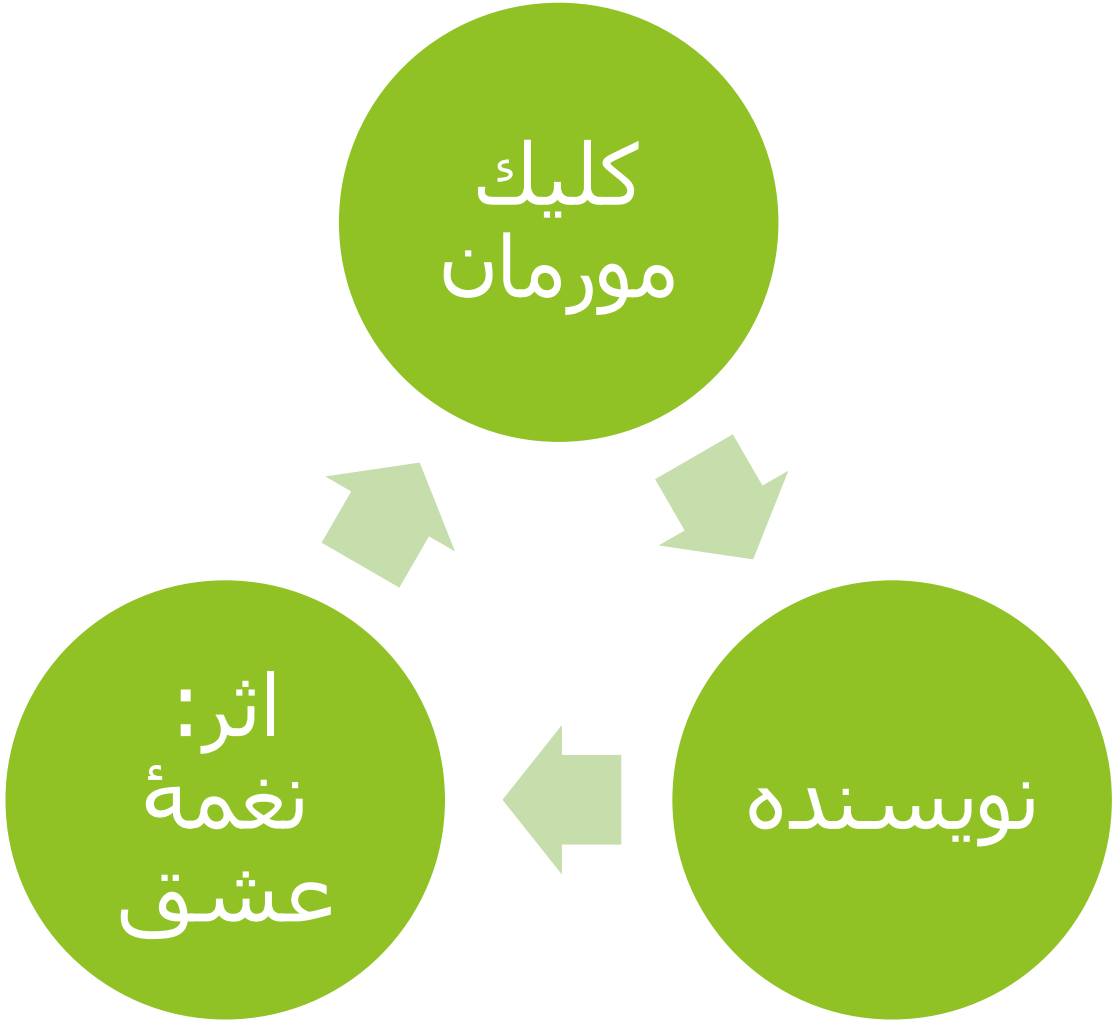
به خاک سپردن: دفن کردن

گذشته است: ماضی

می خواهم: مضارع

مراسم: جمع رسم

تدفین: دفن کردن


کلیک
مورمان
نویسنده
اثر:
نغمهٔ
عشق

خودارزیابی

۱ــ دانش‌آموزان چه جمله‌هایی روی برگه‌های خود می‌نوشتند؟

۲ــ چرا دونا از دانش‌آموزان خواسته بود که «نمی‌توانم»های خود را بنویسند؟

۳ــ منظور بازرس از جملهٔ «فهمیدم که این شاگردان هرگز چنین روزی را فراموش نخواهند کرد» چیست؟

۴ــ .....

@haftom_tavanaelmi
09339444560

دانش‌های زبانی و ادبی

نکتهٔ اوّل

به کلمه‌های زیر توجّه کنید.

الف) صیاد، کلاغ، شتاب، آسیب

ب) بیمناک، کتابخانه، گل‌فروشی

کلمات بخش الف و ب چه تفاوتی با هم دارند؟ با کمی دقت درمی‌یابیم که کلمات بخش «ب» از دو یا چند قسمت ساخته شده‌اند؛ مثلاً :

بیمناک : بیم + ناک

کتابخانه : کتاب + خانه

گل‌فروشی : گل + فروش + ی

ولی واژه‌های بخش الف چنین نیستند و تنها یک قسمت دارند : صیاد، کلاغ و ... به واژه‌های بخش الف «ساده» و به واژه‌های بخش ب «غیرساده» می‌گویند. واژه‌های ساده فقط یک جزء دارند و واژه‌های غیرساده، بیش از یک جزء دارند.

اسم ساده

اسم غیر ساده: وندی

مرکب

وندی مرکب

نکتهٔ دوم

درس‌هایی که در این فصل خواندید، از ادبیات کشورهای دیگر هستند که به زبان فارسی ترجمه شده‌اند. شما با ترجمه از سال‌های گذشته آشنا شده‌اید؛ مثلاً آیات قرآن یا احادیث را با ترجمهٔ فارسی خوانده‌اید. به کسی که ترجمه می‌کند، مترجم می‌گویند. مترجم باید با دو زبان، یعنی زبانی که از آن ترجمه می‌کند و زبانی که به آن ترجمه می‌شود، کاملاً آشنا و مسلّط باشد.

۱۵۹

یکی از راه های گسترش علم، ترجمهٔ آثار علمی از زبان های دیگر است.

آثار قدیمی مانند: پنجهٔ تنتره

کلیله و دمنه

ـ کلماتی همچون «بلیت، اتو، توس، اتاق، قورباغه، ...» واژه‌هایی هستند که گاهی به‌صورت «بلیط، اطو، طوس، اطاق، غورباغه و ...» نیز نوشته می‌شوند، امّا شکل اوّل مناسب‌تر است.

ـ در شکل نوشتاری کلماتی همچون «خواهر، خوش، خواستن، خواهش و ...» حرفی وجود دارد که خوانده نمی‌شود. به‌خاطر سپردن شکل املایی آنها از نکات مهمّ املایی است.

کلمات دوشکلی: نوشتن به حروف فارسی مناسب تر از حروف عربی است.

@haftom_tavanaelmi
09339444560

نوشتن

۱ــ واژه‌های ساده و غیرساده را مشخص کنید و در جدول بنویسید.

روز، دست، ورقه، خاکی، سخنرانی، نمادین، شاگرد، کاغذ، گوش، تخته

کلمهٔ ساده	روز- دست- شاگرد- کاغذ- گوش
کلمهٔ غیرساده	ورقه- خاکی- سخنرانی- نمادین- تخته

۲ــ ده کلمهٔ مهمّ املایی از پنج درس گذشته، انتخاب کنید و بنویسید.

۳ــ برای هر یک از کلمه‌های زیر، دو هم‌خانواده بنویسید.

وسط، اطاعت، رحمت، اعلامیّه

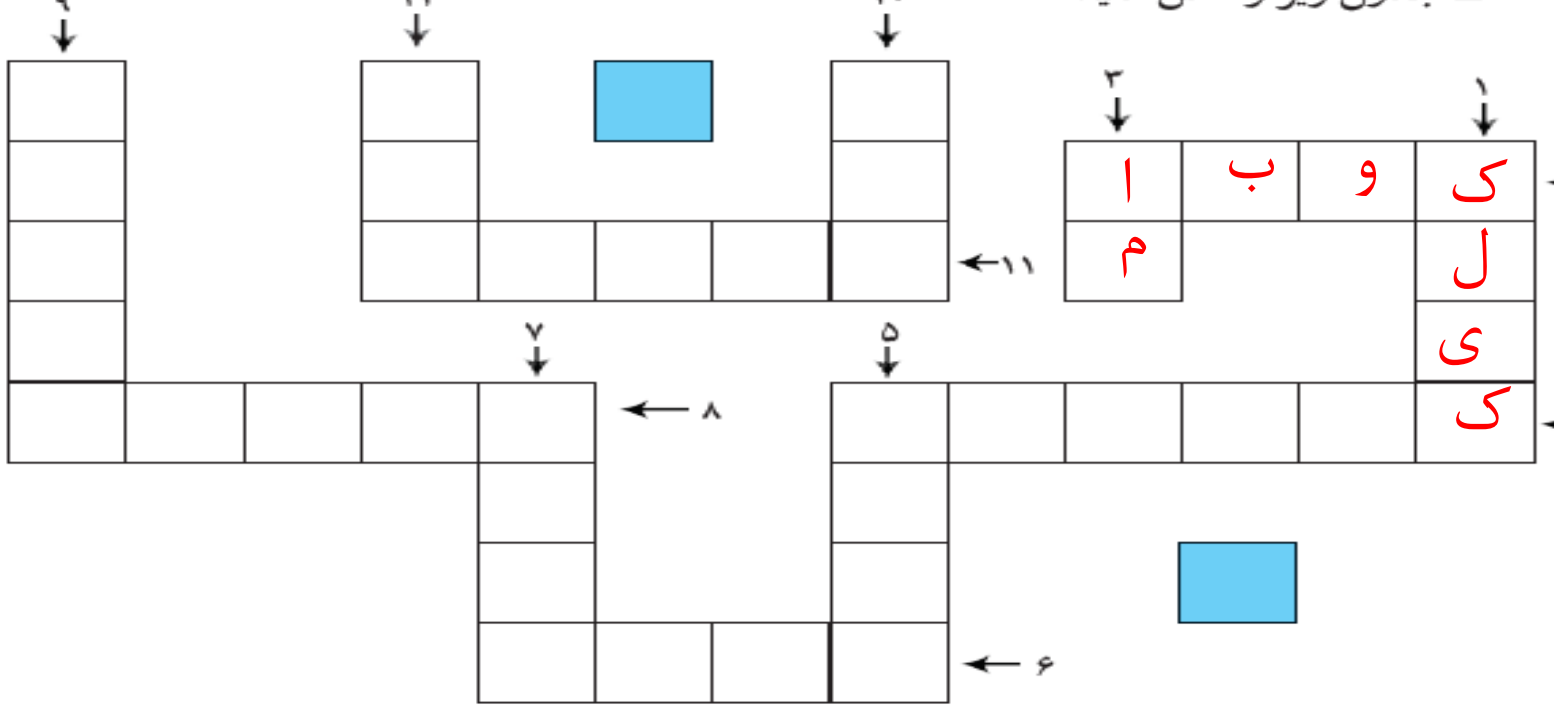
۲- اعلامیّه- ترحیم- تدفین- قرین- عنایت- جعبه- کاغذ- صفحه- بغل- سماجت- تسهیلات

۳- وسط= متوسط- واسطه- اواسط

اطاعت= طاعت- مطیع- مطاع

رحمت= رحم- رحیم- مرحوم- مرحمت (محروم)

اعلامیّه= علم- عالم- معلوم- علما- تعلیم- تعلّم (عامل)



۱ــ اصطلاحی در رایانه و نام کوچک نویسندهٔ آخرین درس کتاب

۲ــ نام یکی از کشورهای امریکایی

۳ــ مادر در عربی

۴ــ اهل کرمان

۵ــ همان «اَحَد» است.

۶ــ از انواع جمله

۷ــ این نوع جمله، خبری را می‌رساند.

۸ــ تمنّا، درخواست

۹ــ به معنای نکوهش است.

۱۰ــ منفی فعل امر

۱۱ــ

کلیک
کوبا
ام

@haftom_tavanaelmi
09339444560

پایان